

موضوع: ولایة المرأة علی القضاء

جلسه یازدهم / ۲۷ مهر ۱۴۰۱

استاد علی اکبر سیفی مازندرانی

اشکال سریان قاعده اشتراک در این بحث بیان شد، قاعده اشتراک را به صورت مفصل در کتاب مبانی فقه فعال بحث کردیم، عمده ترین ادله قاعده اشتراک، اطلاقات و عمومات قرآنی است که به نحو قضیه حقیقیه برای جمیع مومنین ﴿یا ایها الذین آمنوا..﴾ جعل شده است. آیا این اطلاقات و عمومات می توانند ولایت را برای نساء جعل کنند؟ خیر!

همه این آیات نظر به ولایت بر حکم ندارد و در مقام بیان احکام فرعیه تکلیفیه هستند و مساله ولایت در آیات دیگری آمده است: ﴿یا ایها الذین آمنوا أطیعوا اللهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ [1] و ﴿النَّبِیُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾ [2]؛ این آیات دلالت دارد که خدا و رسول او و اولی الامر از جانب او، ولایت بر حکم دارند، اما اولی الامر چه کسانی هستند و چه شرایطی دارند در نصوص بیان شده است: «هم الائمة المعصومین» و به وسیله نصوص دیگر -از باب توسعه- ولی فقیه را هم صاحب ولایت دانسته است، لذا برای ولایت داشتن نساء، باید نصوص دیگری بیاید تا تعبدا نساء هم داخل در محدوده اولوا الامر بشود.

پس قاعده اشتراک و اطلاقات آیات نظر به جعل ولایت ندارند و آیات جداگانه نازل شده که برای اشخاص معین ولایت جعل شده است. البته ما به قاعده اشتراک هم اشکال کردیم که این قاعده نظر به اشتراک احکام بین زن و مرد ندارد و اشتراک بین مومنین نساء و بین مومنین رجال را نظر دارد زیرا احکام در مورد نساء و رجال در موارد بسیار متعددی تفاوت دارد در احکام وضعیه و احکام عبادات، مثل حج و عبادات و ارث و نکاح و اطاعت زن از مرد و صلاة و!...

لذا مشکل است که مردان و زنان به واسطه قاعده اشتراک، در احکام مشترک باشند.

استدلال مدعیان ولایت زن به آیات

1. آیه ﴿یا ایها الذین آمنوا کونوا قَوَّامِینَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَی أَنْفُسِکُمْ أَوْ الْوَالِدِینِ

وَ الْأَقْرَبِینَ..﴾ [3]

تمام جزئیات اعمال شما به دو گونه ممکن است انجام شود یا از روی عدل و قسط یا ظلم و تعدی؛ لذا خدا می فرماید از روی عدل با دیگران رفتار کنید پس بر هر زن یا مردی واجب است که عادل باشد و عدالت را برپا کند.

جواب: این آیه نظر به حکومت و ولایت بر حکم ندارد، بلکه در بیان تکلیف شرعی و برپایی قسط است، یکی از مصادیق آن این است که اگر حاکمی خواست حکم کند باید از روی قسط و عدل باشد، اما اینکه چه کسی ولایت بر حکم دارد را این آیه نظر ندارد.

البته اگر زنی مجتهد باشد یا منصبی را عهده دار باشد قسط بر او واجب است، اما مشروعیت اصل منصب حکومتی را این آیه دلالت ندارد.

(البته اطلاق این آیه می تواند برای استدلال به قاعده اشتراک، استفاده شود زیرا دلالت در برپایی قسط و عدل دارد زیرا اختصاصی برای زن، برای وجوب اقامه قسط ندارد و برخلاف عقل هم می شود زیرا عقل به وجوب عدل حکم می کند و ای آیه ارشاد به حکم عقل است.)

2. آیات اقامه حدود و دیات: ﴿الرَّائِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ﴾ [4] و ﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً﴾ [5]؛ دلالت دارند که بر آحاد مکلفین واجب است که بر زانی و زانیه، ۸۰ ضربه شلاق بزنند، این آیه اطلاق دارد و زن هم می تواند تازیانه بزند، همینطور در قصاص: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾، زن هم می تواند قصاص کند و اختصاص به رجال ندارد.

جواب: این آیات در مورد وجوب اصل اجرای حدود و دیات است و کسی که ولایت بر حکم دارد بر او اقامه حدود واجب است و دیگران و مومنین هم باید در جهت این اقامه حدود همکاری کنند. چنانچه اگر حاکمی حکم کند و مردم گوش ندهند و کمک نکنند این احکام اجرا نخواهد شد.

شاهد عدم نظارت این آیه، وجدان است که آیا امکان دارد همه ولایت بر حکم داشته باشند و بیایند تازیانه بزنند؟ پس مقصود همه مومنین نیستند و اطلاق این خطاب قابل عمل نیست، پس نظر به جعل ولایت برای همه ندارد.

عدم قابلیت اطلاق برای عمل، یکی از قرائنی است که اطلاق را از آن جهت منصرف می کند، همینطور جایی که عمل به اطلاق، خلاف ضرورت می شود معلوم می شود که اطلاق به آن جهت نظر ندارد.

انجام احکام چند صورت متصور می شود:

- 1 همه ولایت داشته باشند (قابل عمل نیست) - 2 هر کسی ولایت داشته باشد به نحو کفایی (هیچ فقیهی ملتزم نیست) - 3 بعضی از افراد به خصوص ولایت بر اجرای حکم داشته باشند) به وسیله نصوص بیان شده است و شارع مقدس جعل ولایت کرده است.

آیه: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...﴾ [6]؛ به ﴿اقیموا الدین﴾ استدلال شده است که اقامه دین بر زن و مرد واجب است و اداره حکومت مصداق بارز اقامه دین است.

جواب: این که اصل اقامه دین بر همه واجب است جای تردید نیست، اما اقامه دین دو معنا دارد:

1. هر فردی در عمل فردی خودش دین را اقامه کند مثل خواندن نماز که اقامه دین است (دین یعنی احکام الهی).

2. به معنای حکومت باشد، زیرا اقامه کامل دین یک امری نیست که یک نفر بتواند انجام بدهد، امکان اقامه کامل دین برای یک نفر وجود ندارد زیرا برپایی حکومت، بین همه مردم است، آیا هر کس می تواند بر هر کس دیگر ولایت داشته باشد؟ خیر! باید عده ای باشند

که دیگران از او اطاعت کنند و آن عده را باید شارع تعیین کند و با تولی و فرمان دادن و همه مردم به نحو مساعدت در اقامه دین باید مشارکت کنند.

* پس این آیه نظر به صلاحیت تولی حکومت و قضاء ندارد.

آیه ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ..﴾ [7] و همینطور آیه: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ...﴾ [8]

هدف از انزال قرآن مجید، حکم و حکومت بین مردم است همانطوری که خدا فرموده است، لذا یک زن هم می تواند حکومت قرآن را برپا می کند همانطور که خدا فرموده است.

جواب: گستره ﴿بما اراک الله﴾ بیشتر از تصور مستدل است، یکی از مصادیق بارز آن، شخصی است که می خواهد ولایت بر این حکم بین الناس داشته باشد که خدا باید او را تعیین کند تا به همان نحوی که او حکم می کند دین خدا پیاده شود.

مخاطب آیه رسول خدا است و ولایت ایشان مفروض است، لذا ﴿بما اراک الله﴾ از حیث شخص حاکم منصرف است، و باید اول ولایت و حکومت از جانب خدا به کسی اعطا شود بعد نوبت به اجرای احکام بشود و به مودای این آیه هر شخصی نمی تواند ولایت داشته و بیاید احکام را اجرا کند و این تعیین شخص توسط آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ [9] مشخص شده است که این شخص شایسته حکومت بین الناس است و خدا امر به اطاعت از او شخص کرده است.

هرچند خطاب آیه رسول گرامی است اما مستدل با تنقیح ملاک (لتحکم بین الناس) می خواهد آن را توسعه بدهد که هدف از نزول قرآن، حکومت بین الناس است و این اختصاص به رسول گرامی ندارد.

یکی از مصادیق این آیه این است که این اولوا الامر در زمان غیبت کسانی را جانشین تعیین کردند یا نه؟ لذا باید دید که نصوصی که از ائمه صادر شده دایره اولوا الامر را تا چه حدی توسعه داده است که قدر متیقن آن رجال است و شمول زنان مورد شک است.

آیه ﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ﴾ [10]؛

این آیات بالقیس را به اوصاف حسنه توصیف می کند مثل مشورت و عاقلانه عمل کردن و اینکه به اطرافیان می گوید که اگر جنگ شود و ملوک بیایند همه را نابود می کنند و...» نقل قرآن به منزله توصیف حسن است و بدین سان حکومت زن را تایید کرده است.

جواب به مستدل: این آیه در مقام ذم است زیرا اولوا این قوم خورشید می پرستند و حضرت سلیمان بر بالقیس غضب کرده است و می خواسته او را تحت تسخیر قرار دهد ﴿أَزِجْ إِلَيْهِمْ

فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَدْلَلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ [11]؛

پس معلوم می شود که او از جانب خدای متعال ولایت نداشته است.

[1] نساء/سوره ۴، آیه ۵۹.

[2] احزاب/سوره ۳۳، آیه ۶.

[3] نساء/سوره ٤، آيه ١٣٥.

[4] نور/سوره ٢٤، آيه ٢.

[5] نور/سوره ٢٤، آيه ٤.

[6] شوري/سوره ٤٢، آيه ١٣.

[7] ص/سوره ٣٨، آيه ٢٦.

[8] نساء/سوره ٤، آيه ١٠٥.

[9] نساء/سوره ٤، آيه ٥٩.

[10] نمل/سوره ٢٧، آيه ٢٣.

[11] نمل/سوره ٢٧، آيه ٣٧.